

سبک شخصی در رمان

نکته‌های کاربردی برای نویسندگی به سبک خودتان

چارد لودمن، فیلیپ ک. جیسون

حبیب یوسفزاده

www.ketab.ir

- سرشناسه: گودمن، ریچارد و جیسون کد. فیلیپ Goodman, Richard & Pilip k. Jason
 - عنوان و نام پدیدآور: سبک شخصی در رمان: نکته‌های کاربردی برای نویسندگی به سبک خودتان؛
 ریچارد گودمن و فیلیپ کد. جیسون. [مترجم] حبیب یوسفزاده.
 - مشخصات نشر: تهران، عصر داستان، ۱۳۹۶.
 - مشخصات ظاهری: ۱۹۶ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
 - فروست: گام‌به‌گام تا داستان‌نویسی حرفه‌ای/ زیر نظر حبیب یوسفزاده، محمدعلی قربانی؛ ۷.
 - شابک: دوره ۶-۱۹-۶۹۷۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ۱۵۰۰۰۰ ریال. ۷-۲۵-۶۹۷۰-۶۰۰-۹۷۸
 - وضعیت فهرستنویسی: فیبا
 - یادداشت: کتاب حاضر ترجمه بخش‌هایی از کتاب Creative writer's و The soul of creative writing handbook است.
 - موضوع: داستان‌نویسی
 - موضوع: Fiction-- Authorship
 - موضوع: نویسندگی خلاق
 - موضوع: Creative Writing
 - ش: سه افزوده: یوسفزاده، حبیب، ۱۳۴۴، مترجم.
 - ش: افزود: قربانی، محمدعلی، ۱۳۵۰-
 - بندی کنگره: ۱۳۹۶ س۲/۴۹/۴۵ PN۱۴۵
 - رده: ن دیویی: ۸۰۸/۰۲
 - ره کتابشناسی ملی: ۴۶۷۹۱۹۱

سبک شخصی در رمان

گام به گام تا داستان‌نویسی حرفه‌ای- ۷

ریچارد گودمن - فیلیپ کد. جیسون

حبیب یوسفزاده

دبیر مجموعه: حبیب یوسفزاده

ویراستار: لیلا جلیلی

طراح جلد: ایمان اوجیان

صفحه آرا: الهام الیکایی

ناشر: عصر داستان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۷-۲۵-۶۹۷۰-۶۰۰-۹۷۸

شابک دوره: ۶-۱۹-۶۹۷۰-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

تهران، بلوار کریمخان زند، خیابان سنایی، کوچه اعرابی (۵) شماره ۶

<http://www.adabiatirani.com>

۰۲۱-۸۸۳۰۰۸۲۴

کلیه حقوق چاپ و نشر و ترجمه در قالب‌های مختلف کاغذی، الکترونیکی و ... برای

بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان محفوظ است.

فهرست

۹	سر آغاز
۱۳	مقدمه
	فصل ۱
۲۱	مواضع نثر
	فصل ۲
۴۳	در جستجوی واقعیت دقیق
	فصل ۳
۵۷	قدرت پنهان واژه‌ها
	فصل ۴
۶۷	یافتن عنوان عالی
	فصل ۵
۷۷	اجزای داستان
۸۱	پی‌رنگ و کارکرد آن
۹۱	فضاسازی
۹۷	نقطه حمله یا ورود به جهان داستان
۱۰۵	شخصیت و شخصیت‌پردازی

فصل ۶

تأملی در رمان نویسی ۱۴۱

فصل ۷

روایت و تکنیک های آن ۱۵۱

فصل ۸

سکات روایت ۱۶۹

فصل ۹

نکته های نگارش درباره نوشتن ۱۸۷

درباره نویسندگان ۱۹۳

www.ketab.ir

سر آغاز

همواره دو باور درباره داستان نویسی رایج بوده است. گروهی معتقدند، نویسندگی قابلیت ذاتی است و باید در جوهر یک فرد وجود داشته باشد. گروهی نیز عقیده دارند فراگیری اصول نوشتن چندان سخت تر از فراگیری سایر هنرها، از جمله موسیقی نیست. همان طور که یک هنرجوی موسیقی بعد از ممارست کافی، نوازنده‌ای چیره دست بدل می شود، در نویسندگی نیز می توان با کمی تلاش و تمرین در مجموعه‌ای از شیگردها به میزان قابل قبولی از توانایی در نوشتن دست یافت. از طرفی داستان های پرمایه و غنی می توانند برای مخاطبان خرد در نقش شبیه ساز زندگی ظاهر شوند و با ارائه تجارب زندگی و ایجاد حس روحی، در اعتلای شخصیت و رشد عقلی و عاطفی آنها بسیار تأثیر گذار باشند.

واقعیت این است که هر فردی با هر درجه از استعداد، بهره ای از خلاقیت و قریحه نویسندگی دارد. اگرچه باید اذعان کرد همان طور که در عالم موسیقی هر نوازنده ای بتهوون و موزارت نمی شود، در عالم نوشتن نیز نباید انتظار داشت که افراد بعد از گذراندن یک دوره یا مطالعه چند کتاب، تولستوی و همینگوی از آب دربیایند و شاهکار خلق

کنند. اما باید توجه نمود که هر قدر بیشتر بر طبل نوشتن بکوبیم و زمینه را برای اعتلای این هنر مهیا سازیم، احتمال بروز استعدادهای برتر نیز بیشتر می‌شود؛ به عبارت دیگر، همانند بلورهای نبات که در محیط اشباع‌شده شکل می‌گیرند، استعدادها نیز برای شکوفایی بهتر نیازمند محیط مناسب هستند.

از این رو بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان، به عنوان نهاد مروج ادبیات داستانی بر خود فرض می‌داند به هر نحو ممکن به ترویج ادبیات داستانی، این هنر راهبردی در عصر حاضر اقدام کند. زیرا باور دارد که حضور یک ملت در عرصه‌های بین‌المللی و تأثیرگذاری‌اش در افکار عمومی جهان بیش از هر چیز متکی به هنر و در رأس آن‌ها ادبیات داستانی است. پر واضح است که یکی از اقدامات مؤثر برای تحقق این امر خطیر، تولید منابع آموزشی جذاب و تأثیرگذار است. همچنین بر کسی پوشیده نیست که به موازات تحول دیدگاه بشر نسبت به روان‌شناسی یادگیری، شیوه‌های آموزش نیز به تدریج دستخوش تحول شده است و اغلب تلاش می‌شود تا آموزشی انطباق بیشتری با کارکرد ذهن داشته باشند و آخرین یافته‌های علمی و روان‌شناسی در آن‌ها لحاظ گردد. از همین روست که امروزه منابعی همچون «هوش‌های چندگانه»، «یادگیری مشارکتی»، «یادگیری خودی» از بحث‌های داغ علوم تربیتی و شناختی هستند. با این ملاحظه هر کسی در منابعی که تاکنون در باب مهارت نویسندگی تألیف و ترجمه شد دقت کنیم می‌بینیم که اغلب آن‌ها بر شیوه‌های سنتی متکلم وحده و القای ماہیم از بالا به پایین متکی هستند. بنابراین شرایط امروز ایجاب می‌کند منابعی مبتنی بر دیدگاه‌های نو و به اصطلاح «به‌روز شده» تدارک ببینیم.

مجموعه «گام‌به‌گام تا داستان‌نویسی حرفه‌ای» تلاشی در این مسیر است. این آثار اغلب رویکردی عملی و مبتنی بر تعامل و تمرین دارند. پدیدآورندگان آن‌ها سعی کرده‌اند مخاطبان خویش را فراتر از تعاریف و

توصیه‌های کلامی رایج، به‌طور عملی با هنر داستان‌نویسی درگیر نمایند. از این رو مطالعه هر کدام از این کتاب‌ها می‌تواند نقطه شروعی جذاب و برانگیزاننده برای هنرجویان داستان‌نویسی و دست‌مایه و منبعی قابل اتکا برای استادان باشد. امید است پیش‌کسوتان عرصه ادبیات داستانی و آشنایان طریق با نقد و نظرهای دلسوزانه و سازنده خود یار و یاور پدیدآورندگان این مجموعه در گام‌های بعدی باشند.

لازم است در این فرصت از زحمات دوست عزیزمان جناب آقای حبیب رفسزاده، دبیر علمی این مجموعه، و دیگر همکارشان جناب آقای محمدعلی قربانی سپاسگزاری کنم؛ چه این کار بدون تلاش مجدانه ایشان به ثمر نمی‌رسست.

مهدی قزلی

عامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان

مقدمه

به نظر من همه نویسندگان خلاق روزی متوجه می‌شوند، زبان تنها دوستی است که هرگز آن‌ها را تنها نخواهد گذاشت. لحظه‌ای هست که نویسندگان درمی‌یابند قرار نیست به تنهایی سفر کنند. بلکه هم‌سفری باوفا و شگفت‌انگیز همراهشان خواهد بود. نویسنده‌ها ابزار کار ساده‌ای دارند که در گذشته عبارت بودند از یک قلم و چند برگ کاغذ و احتمالاً یک ماشین تحریر. امروز هم که دنیا پیچیده‌تر شده است، وسایل کار اغلب ما محدود می‌شود به رایانه‌هایی که نرم‌افزار ویندوز روی آن نصب شده است. که البته هنوز امکانات ناچیزی به حساب می‌آید. اما هر بار که نویسنده‌ای به صفحه خالی وارد چشم می‌دوزد تا کارش را شروع کند، زبان هم حاضر است. هم‌نشینی خوشایند و ثابت‌قدم در اتاق ساکت. و چه یار موافقی! وفادار، زیرک، چالاک، غنی و متواضع که آدم را خسته نمی‌کند. چیزی که با مشارکت هزاران اهداکننده ناشناس - اعم از مردان و زنان، مَنشی‌ها، حاکمان، سربازان، کشاورزان، مهندسان، دریانوردان، کاشفان، شاعران، نانوایان، واعظان، کولی‌های دوره‌گرد، بافندگان، خوانندگان و جادوگران - شکل گرفته است. بعلاوه هر کسی که تاکنون

خواسته است چیزی به زبان بیاورد یا مفهوم و عملی را در ابتدا با اصوات و بعدها به صورت نوشتاری بیان کند.

زبان متعلق به هیچ کس نیست. زبان موجود در فرهنگ‌های لغت، اقیانوسی عمیق و سرشار از واژه‌های زنده است. با تنوعی همانند موجودات آبی و متعلق به همه ما. زمین را می‌توان صاحب شد و قطعه قطعه کرد یا دورش حصار کشید. آب را می‌توان صاحب شد. اغلب دریا به‌های زیبا و عمیق در مالکیت افراد است. حتی آسمان را می‌توان به خود اختصاص داد. در جاهایی مثل نیویورک و بسیاری از شهرهای دیگر، «حق هوا»، یعنی فضای بالای ساختمان‌ها به قیمت میلیون‌ها دلار به فروش می‌رسد. اما زبان را نمی‌توان صاحب شد. درست است که می‌توان آن را فاسد کرد، به اجس کشید، با قاعده‌مند کرد، اما نمی‌توان تصاحب کرد. هر شخصی در هر جای دنیا به متولد می‌شود، زبان را به ارث می‌برد. زبان موهبتی عظیم، پیچیده و بایرناپذیر است.

کتاب حاضر، ادای احترامی به این موهبت بزرگ است. هر کدام از فصل‌های آن تلاشی برای نمایاندن عمق، عجب، قدرت و شکوه زبان ماست و اشاراتی هستند در باب قابلیت‌های آن.

نویسنده‌ها عاشق کلماتند. همان‌طور که عاشقان عاشق قایق هستند و نجارها عاشق چوب. نویسندگان به زبان عشق می‌ورزند. با این حال نمی‌توانند غنی‌تر از زبانی باشند که با آن می‌زیست. حتی بزرگ‌ترین نویسندگان هرگز نمی‌توانند به زبان تسلط کامل پیدا کنند. چنانکه تی‌اس الیوت^۱ در مجموعه شعر «ایست کوکر»^۲ آورده است:

اینک منم، میانه راه، در بیست سالگی-

^۱: Thomas Stearns Eliot

^۲: East Coker نام روستای آبا و اجدادی تی‌اس الیوت در انگلستان

بیست سال هدرشده در میان دو جنگ جهانی-

برای آموختن کاربرد واژه‌ها

هر تلاشی در این راه شروعی دوباره بود و شکستی متفاوت

چون کار آدمی فقط این است که واژه‌ها را اجیر کند

برای بیان چیزی که نیازی به گفتنش ندارد

یا به ترتیبی که دلش نمی‌خواهد بگوید.

من، هر کلنجاری با واژه‌ها

در حیز دوباره‌ای است برای هجوم به ناگفتنی‌ها

با سلاحی حقیقی که در برابر تلاطم احساس

و سپاه طعن و زهر، عوف، لاف، درمی‌ماند.

بیلی کالینز^۱ می‌گوید: شعر حاصل درافتادن شاعر با زبان ذاتاً

سرکش است.^۲ ویلیام فاکلنر^۲ نیز از کتاب «خشم و هیاهو» به عنوان

بهترین شکست خود یاد کرده است. زبان همانند دریایی موج و توفانی

است. هیچ نویسنده‌ای قادر به مهار رین آن نیست. نویسندگان صادق

به‌خوبی از این نکته آگاهند و با آن مواضعانه برخورد می‌کنند.

همان‌طور که یک دریانورد باید در برابر امواج عظیم و سهمگین دریا

متواضع باشد. تلاش‌های ما هرگز کامل نیست و ناله هم باشد، اما

مبارزه همواره اجتناب‌ناپذیر و دل‌چسب است. زبان با تمام سخن و زیبایی

خود، مدام ما را فرا می‌خواند تا دل به امواج خروشانش بسپاریم.

این کتاب، حاصل یک عمر کلنجار رفتن و درافتادن با واژه است. من

هر روز و هر سالی که می‌گذرد، بیشتر مجذوب سخاوت زبان می‌شوم.

روزبه‌روز از کاری که سایر نویسنده‌ها با زبان انجام داده‌اند، شگفت‌زده

۱. Billy Collins شاعر آمریکایی

۲. William Cuthbert Faulkner نویسنده آمریکایی

می‌شوم. خواندن، سیاحت کم و بیش همیشگی یک نویسنده برای تسلط به زبان و آفرینش هنری است. این کار نویسنده را قادر می‌سازد با نمادهایی از جنس جوهر، مصالح لازم را برای خلق گوشت و خون، کوه‌ها، شهرها، خانه‌ها و باغ‌ها فراهم کند. لذت بزرگ خواندن در این است که بفهمی ذهن‌های حساس و خلاق چگونه زبان را به کار می‌گیرند تا سرزمین‌های بکر خلق کنند و به قول ماریان مور^۱ باغ‌هایی خیره‌انگه با وزغ‌های واقعی بیافرینند. به عبارت دیگر خواندن، معماری دل و مصالح واژه‌ها و زبان است.

اصلاً چطور می‌توان نویسنده شدم؟ فکر می‌کنم نویسنده‌شدن و شرایط کنونی من به چند عامل مشخص بستگی داشته است. یکی از این عوامل مادرم بود. البته من این موضوع را در اواخر زندگی‌اش متوجه شدم. وقتی از پشت تلفن با او در شهر فلوریدا صحبت می‌کردم، یک‌دفعه انگار گوش‌هایم شروع کردند به حرف زدن و گفتن این حرف که: «ببین چقدر خوب و جالب از کلمات استفاده می‌کنی! به جمله‌بندی‌هایش دقت کن. ببین چقدر واضح و روشن هستند. ببین همیشه چطور مناسب‌ترین واژه‌ها را برای بیان منظورش انتخاب می‌کند.» دریافتم که وقتی پسر بچه‌ای بیش نبودم، او احترام به واژه‌ها و حسن استفاده از آن‌ها را درست مثل هوایی که تنفس می‌کنم، با جان می‌آمیخته است. بدون اینکه خودم بدانم، دانستم که او اولین الهام‌بخش من در نوشتن بوده است.

عامل بعدی کلیسا بود. کلیسایی کوچک با آجرهای قرمز در ویرجینیا که اوایل با اکراه به آن قدم می‌گذاشتم. کلمات و عبارت‌هایی

۱. Marianne Moore

که در کلیسا از متن انجیل جیمز پادشاه^۱ به گوشم می‌خورد با تمام چیزهایی که شنیده بودم فرق داشت. تا آن وقت هرگز کسی به من نگفته بود: «او مرا آفرید تا در چراگاه‌های سرسبز بیاسایم و به کرانه برکه‌های زلال راهنمایی‌ام کرد.» کسی یادم نداده بود که می‌توان کلمات را آن‌طور کنار هم ردیف کرد و چنان طنینی ایجاد نمود. هیچ‌کس چنین ایده‌ای مطرح نکرده بود که: «از من پیروی کن تا تو را صیاد آدم‌ها قرار دهم.» اما وقتی به کلیسا رفتم، این موسیقی کلمات را بارها و بارها شنیدم. از آنچه می‌شنیدم، چیز زیادی دستگیرم نمی‌شد. وقتی کشیش می‌گفت: «در خانه دل اگر شرک و دوگانگی رسوخ کند پایدار نخواهد ماند، منظورش را نمی‌فهمیدم. اما جسم من به موسیقی کلمات واکنش نشان می‌داد و روح و فایم را به هیجان می‌آورد.

بعدها روزی رسید که من به عنوان پسر دوازده ساله، همین‌طور که سرگرم خواندن داستان رابینسون کروزو^۲ بودم، رد پای پسرکی به نام «جمعه» را روی شن‌های ساحل دیدم. رابینسون آن تازه‌وارد، رابینسون را از تنهایی چندین ساله رهانده بود، با تمام وجود در دلم فریاد زد: «رابینسون! تو دیگه تنها نیستی! غیر از خودت به نفر دیگه تو جزیره است!» بعد از خواندن آن داستان بود که فهمیدم کلمات به تنهایی می‌توانند شور و هیجان خارق‌العاده‌ای در من ایجاد کنند. بارهای نوشته شده در کتاب نویسنده‌ای از یک کشور دیگر که مدت‌ها پیش به من رسیده بود، می‌توانست از فرط هیجان نفس را در سینه‌ام حبس کند. متوجه شدم هر کتابی که به دست می‌گرفتم، می‌توانست تأثیر فوق‌العاده‌ای در من داشته باشد. در تمام این مدت ندایی درونی دائم به من می‌گفت هر طور

۱. King James

۲. Robinson Crusoe

شده باید این ابزار سحرانگیز را به چنگ بیاورم. البته غیر از کتاب‌ها، امکانات دیگری هم در اختیارم بود. امکاناتی مثل کتابخانه، معلم‌ها، یکی دو تقدیرنامه و حتی فرهنگ لغت. در واقع، فرهنگ لغت کلید قلمرو پادشاهی من بود. پادشاهی سرزمین واژه‌ها، جایی که دلم می‌خواست حکومت کنم.

از هنگامی که مردان و زنان قلم بر کاغذ نهاده یا تایپ کرده‌اند، با اموال سرکش اقیانوس زبان دست به گریبان بوده‌اند. به‌ویژه نویسندگان که مصائب کم‌وبیش همانندی داشته‌اند. چیزی که تی.اس. الیوت از آن به عنوان «کارزار رفتن با کلاف سردرگم احساسات» یاد کرده است. مصائبی «مچون افسوس خوردن به دلیل عجز در بیان معانی. چیزی که فالدکتر آن را «گدازای غای قلب انسان در جدال با خویشتن» می‌نامد. فالدکتر عمری را به بیان رنج و مشقت روح انسان^۱ گذراند و با پیچ و خم‌های زبان دست‌وپنجه نرم کرد. مثل تمام نویسندگانی که در این راه قدم برداشته‌اند، برمی‌دارند و خواهند داشت. به این ترتیب، نویسندگان هر عصری - کوچک و بزرگ - از طریق کتاب‌ها با نویسندگان پیش از خود ارتباط دارند. آری، کار ما حفظ این ارتباط است. این مزیت نامحسوس و بی‌اندازه الهام‌بخشی است که هرگز با شکوه و عظمت زبان سروکار داشته باشی و به قول جان بریمن^۲ «در آب به آب و آتش بزنی».

کتاب حاضر تلاشی است در این مسیر.

۱. موضوع سخنرانی ویلیام فالدکتر هنگام دریافت جایزه ادبی نوبل در سال ۱۹۵۰

۲. John Berryman